روزنامه پیام ما
| سال بیست‌ویکم | شماره پیاپی ۳۲۴۳ | پنجشنبه ۱۷ مهر ماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان |
www.payamema.ir

آخرین سفر تمبر

نگاهی به دلایل مهجوریت تدریجی تمبر در ایران به مناسبت روز جهانی آن

۴

نجات مرگ‌آور

واکنش‌ها به صعودی بی‌برنامه در اشترانکوه چه بود؟

۲

گفت‌وگوی «پیام ما» با رئیس موزه ملی ایران درباره برگزاری نمایشگاه «شکوه ایران باستان» در چین و ابهامات ایجادشده درباره بازگشت اشیا به ایران

بازگشت جام هخامنشی

۲ و ۳

AP

گفت‌وگوی «پیام ما» با رئیس موزه ملی ایران درباره برگزاری نمایشگاه «شکوه ایران باستان» در چین و ابهامات ایجادشده درباره بازگشت اشیا به ایران

بازگشت جام هخامنشی

| فاطمه علی‌اصغر |
| سردبیر |

بازگشت اشیا و آثار نمایشگاه «شکوه ایران باستان» از چین، تا همین چند وقت پیش مورد بحث و چالش‌های بی‌شمار قرار گرفته و این سؤال برای بسیاری از دوستداران میراث‌فرهنگی ایجاد شده بود که «چرا این آثار به ایران برنمی‌گردند؟» برگزاری این نمایشگاه در چین به سال ۱۴۰۲ برمی‌گردد؛ وقتی که با مصوبه هیئت وزیران دولت سیزدهم بیش از ۲۰۰ شیء تاریخی از کشور خارج و به چین فرستاده شد. آثار منتخب این نمایشگاه شامل ۲۱۱ قلم شیء زرین و سفالین و همچنین پنج نمونه بازآفرینی‌شده (مولاژ) می‌شد که روایتگر تنوع و خلاقیت هنر ایرانی طی بیش از سه هزار سال بودند. این آثار شامل آجرهای قلایچی بوکان، جام زرین مارلیک، تکوک زرین هخامنشی همدان، بشقاب‌های سیمین ساسانی و چینی‌های آبی و سفید می‌شدند. مسئله اما اینجا بود که هم‌زمان با این رویداد، نمایشگاه دیگری با نام «سرزمین مهر» شامل اشیای چندین موزه در تهران هم راهی چین شده بود و درواقع، این نمایشگاه است که هنوز به کشور بازنگشته. همه این رویدادها دست به دست هم داد تا با توجه به شرایط کلی ایران، مردم و بسیاری از دوستداران میراث‌فرهنگی نگران اشیایی شوند که هویت ملی این سرزمین را رقم می‌زد. اکنون آثار نمایشگاه «شکوه ایران باستان» به ایران بازگشته و در موزه ملی ایران به نمایش درآمده است. گفت‌وگو با «جبرئیل نوکنده»، رئیس موزه ملی ایران، پیش از برگزاری این نمایشگاه انجام شده بود، اما به‌عنوان یک روزنامه‌نگار وظیفه داشتم پس از بازشدن پلمب جعبه‌ها و به نمایش درآمدن این آثار در موزه ملی ایران، به شرح و بسط چگونگی فرستادن آثار برای برگزاری یک نمایشگاه در خارج از کشور بپردازم.

پس از درخواست کشور چین ما تلاش کردیم نمایشگاه «شکوه ایران باستان» را برگزار کنیم که مجوزهای آن در دولت سیزدهم صادر شده بود. این نمایشگاه در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ به پایان رسید. بعد از پایان نمایشگاه، آثار برای انتقال به ایران آماده و دقیقاً در روز اول فروردین، یعنی آغاز سال نو ایرانی، وارد موزه ملی ایران شدند

موزه‌های ما سال‌هاست که در انزوا مانده‌اند و کمتر در تعاملات بین‌المللی شرکت کرده‌اند به همین دلیل، برخی تصور می‌کنند اشیای موزه‌ای باید صرفاً در داخل کشور باقی بمانند درحالی‌که وظیفه موزه‌ها تنها نگهداری نیست؛ بخشی از مأموریت اصلی موزه‌ها تعامل فرهنگی، تبادل نمایشگاهی و ارتباط با همتایان بین‌المللی است

اخیراً مطالبی منتشر شده است مبنی‌بر اینکه جام هخامنشی که به چین رفته بود، به کشور بازنگشته. توضیح شما دراین‌باره چیست؟

بسیاری از دوستان همان ابتدا این مطالب را برای من فرستادند. ما بلافاصله در صفحه اینستاگرام موزه ملی واکنش نشان داده و اعلام کردیم این اثر به موزه بازگشته است و همچنین، تصویر آن را منتشر کردیم. بااین‌حال، این شایعات همچنان در فضای مجازی بازنشر می‌شوند. هدف این خبرها را دقیقاً نمی‌دانم، اما در شرایط فعلی که کشور در وضعیت مناسبی نیست، برخی افراد به انتشار این‌گونه مطالب می‌پردازند و مدام ادعا می‌کنند این شیء یا آن شیء به موزه برنگشته است.

بسیاری -حتی من از کارشناسان و باستان‌شناسان شنیدم- این موضوع را مطرح می‌کنند که هیچ کشوری حاضر به فرستادن اشیای خود به کشورهای دیگر نمی‌شود.

یکی از وظایف اصلی موزه‌های ملی و موزه‌های بزرگ جهان، معرفی فرهنگ کشورهای دیگر است. مأموریت مهم این موزه‌ها انتقال فرهنگ کشور مبدا به سایر کشورها و همچنین، آشنایی با فرهنگ کشورهای دیگر است. این جزو اهداف اصلی موزه‌های بزرگ و ملی است. چین در همین راستا، سالانه حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ نمایشگاه برگزار می‌کند. بعد از نمایشگاه ما هم بلافاصله موزه مصر نمایشگاهی برگزار کرد؛ آنها دائماً این کار را انجام می‌دهند. رئیس‌جمهور چین یک استراتژی دارد به‌نام «تمدن نوین جهانی» که در آن تأکید می‌کند همه خرده‌فرهنگ‌ها، چه بزرگ و چه کوچک، قابل احترام‌اند. براساس این استراتژی، چینی‌ها موظف شده‌اند با همه این خرده‌فرهنگ‌ها ارتباط برقرار کنند. مأموریت موزه‌های چین همین است؛ یعنی هر مدیر موزه‌ای وظیفه دارد با همتایان خود در جهان ارتباط برقرار و نمایشگاه برگزار کند و نمایشگاه متقابل بگیرد. تمام موزه‌های ملی چین چنین برنامه‌ای دارند و اعتبار کافی برای برگزاری نمایشگاه‌ها را دارند. در وزارت فرهنگ چین، سازمان میراث‌فرهنگی وجود دارد که یک معاونت مخصوص نمایشگاه‌های موزه‌ای دارد. این معاونت، مسئول ارائه مجوز و هماهنگی نمایشگاه‌هاست. این معاونت، نمایشگاه‌های هنری را هم سازماندهی می‌کند، نه‌فقط نمایشگاه‌های باستان‌شناسی، بلکه نمایشگاه هنر معاصر و غیره. اگر اشتباه نکنم، در سال گذشته بیش از ۴۵۰ نمایشگاه خارج از کشور چین برگزار شده است.

اصلاً چطور شد که به فکر برگزاری نمایشگاهی در چین افتادید؟

پس از درخواست کشور چین، ما تلاش کردیم نمایشگاه «شکوه ایران باستان» را برگزار کنیم که مجوزهای آن در دولت سیزدهم صادر شده بود. این نمایشگاه در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ به پایان رسید. بعد از پایان نمایشگاه، آثار برای انتقال به ایران آماده و دقیقاً در روز اول فروردین، یعنی آغاز سال نو ایرانی، وارد موزه ملی ایران شدند.

چرا همان موقع اعلام رسمی نکردید؟

روال به این شکل است که بعد از ورود آثار ابتدا در قرنطینه نگهداری می‌شوند و بعد از اتمام این دوره، هیئت عالی کارشناسی به بررسی اسناد مربوط به سلامت آثار و همچنین اصالت آنها می‌پردازد تا اطمینان پیدا کنیم که آثار سالم و اصیل به موزه وارد شده‌اند. بعد از انجام این بررسی‌ها، تمامی آثار تحویل اداره تأمین اموال شد. آثار موجود در موزه ملی ایران شامل ۲۱۱ شیء اصل و پنج شیء مولاژ بود.

علاوه‌براین، یک نمایشگاه دیگر هم از آثار موزه‌های شهر تهران، از جمله موزه رضا عباسی و موزه هنرهای تزئینی با همکاری موزه مقدم دانشگاه تهران، در چین برگزار شده که آثار آن هنوز به ایران بازنگشته‌اند. این نمایشگاه موضوعی متفاوتی با نمایشگاه مربوط به آثار موزه ملی داشت و قرارداد مستقلی برای آن منعقد شده بود. با توجه به شرایط فعلی کشور، بعضی از همکاران پیشنهاد دادند برخی از آثار، به‌ویژه اشیای زرینه، را در سالن نمایشگاهی موزه به نمایش بگذاریم. ما هم این پیشنهاد را بررسی کردیم، اما متأسفانه به‌دلیل وقوع جنگ، این برنامه به تعویق افتاد.

بیاییم با هم به قبل از برگزاری نمایشگاه چین برگردیم. ارسال آثار به موزه‌های دیگر کشورها پروتکل‌ها و ضوابطی دارد، در مورد پروتکل‌ها و مراحل ارسال آثار به خارج از کشور توضیح شفاف‌تری می‌دهید؟

برای انجام این تبادلات فرهنگی، موزه‌ها پروتکل‌ها و مقررات خاصی دارند. از جمله مهمترین آنها ارائه گزارشی محرمانه درباره وضعیت نگهداری و حفاظت موزه میزبان است. به این معنا که اگر ما قصد داریم یک شیء را به موزه‌ای در کشور دیگر امانت دهیم، ابتدا باید اطمینان پیدا کنیم که آن موزه استانداردهای لازم برای حفاظت از اشیا از نظر دما، رطوبت، امنیت و همچنین شرایط بحرانی همچون جنگ را دارند. مثلاً ما باید بدانیم اگر در آن کشور جنگ شد، اشیای ما چه وضعیتی خواهند داشت. بنابراین، در مرحله اول باید اطلاعات دقیق و درستی درباره وضعیت موزه مقصد دریافت کنیم. در مرحله بعد، قرارداد امانت تنظیم می‌شود که شامل تمام جزئیات مربوط به نحوه دسترسی به اشیا، نحوه انتشار و حق کپی‌رایت است. این قرارداد نزدیک به ۳۰ صفحه است و مشخص می‌کند که هر طرف چه وظایفی دارد و وضعیت دسترسی به شیء چگونه است؛ چون معمولاً طرف مقابل به شیء دسترسی مستقیم ندارد.

اشیا ابتدا در جعبه‌های استاندارد قرار می‌گیرد و توسط متخصصین بسته‌بندی می‌شوند. شرکت‌های بیمه این بسته‌بندی‌ها را بسیار دقیق بررسی می‌کنند؛ چون مسئولیت خسارت‌ها برعهده بیمه است و آنها به‌هیچ‌عنوان حاضر به پرداخت هزینه‌های غیرضروری نیستند. پس بسته‌بندی‌ها باید از استانداردهای لازم برخوردار باشند.

در مرحله بعد امین اموال‌های دو کشور، یعنی نمایندگان مسئول حفاظت از آثار، جعبه‌ها را پلمب می‌کنند. سپس، پلیس فرودگاه و گمرک که مسئولیت کنترل اشیای ورودی به کشور را دارند، در محل موزه حاضر می‌شوند و پلمب را تأیید می‌کنند. پلمب نماینده گمرک کشور مبدأ فقط توسط نماینده گمرک کشور مقصد باز می‌شود و فهرست اشیای تحویل‌داده‌شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بعد از ورود اشیا، گزارش کاملی تهیه می‌شود که شامل عکاسی از زوایای مختلف شیء، تهیه گزارش آسیب‌شناسی و شناسنامه مرمتی است. بعد از این مرحله، اشیا وارد قرنطینه می‌شوند که مدت آن به نوع اشیا بستگی دارد؛ برای اشیای دارای ترکیبات آلی معمولاً ۷۲ ساعت و برای اشیای معدنی یا غیرآلی حدود ۴۸ ساعت است. در این دوره مجدداً اشیا بازبینی، عکاسی و تطبیق داده می‌شوند تا اطمینان حاصل شود که هیچ آسیبی به آنها وارد نشده و اگر آسیبی در جریان حمل ایجاد شده و یا اطلاعات و تصاویر با قبل از

گزارش

واکنش‌ها به «صعودی بی‌برنامه، سقوطی جبران‌ناپذیر» در اشترانکوه چه بود؟

نجات مرگ‌آور

| مرتضی محسن‌پور |
| روزنامه‌نگار |

عصر جمعه یازدهم مهرماه، در پی عملیات نجات زن کوهنوردی که در ارتفاعات اشترانکوه لرستان گرفتار شده بود، بالگرد امدادی جمعیت هلال‌احمر به‌همراه تیم عملیاتی امداد کوهستان به محل اعلام‌شده اعزام شد. این زن کوهنورد که به‌دلیل افت دما، دوبینی و کاهش هوشیاری از گروه خود جدا شده و مسیر را گم کرده بود، صبح روز شنبه، ۱۲ مهرماه، از طریق امداد هوایی به مرکز درمانی منتقل شد. اما مأموریتی که قرار بود نجات‌بخش باشد، خود به حادثه‌ای مرگبار بدل شد: بالگرد هلال‌احمر در جریان عملیات دچار سانحه شد و دو نفر از کادر پروازی آن جان باختند. این کوهنورد در تماس خود گفته بود: «افت دما دارم، دچار دوبینی شدم، کاهش هوشیاری پیدا می‌کنم، شرایط خوبی برای من نیست و مسیر را گم کرده‌ام. گروه من را تنها گذاشته‌اند.»

«محمدحسین بی‌کبادی»، معاون عملیات سازمان امدادونجات درباره این حادثه گفته است: «این خیلی حائز اهمیت است؛ گروه او را تنها گذاشته است! منطقه اشترانکوه بسیار پرخطر است. این خانم در قالب یک گروه غیررسمی که از طریق فضای مجازی تشکیل شده بود، اقدام به صعود کرده بود. درخواست ما رعایت اصول ایمنی در صعودهاست. به‌دنبال تماس این کوهنورد و با توجه به تاریکی شب و دشواری مسیر، درخواست اعزام بالگرد داده شد. عملیات امداد هوایی که از سخت‌ترین، پرهزینه‌ترین و پرریسک‌ترین مأموریت‌های امداد است، با سرعت آغاز شد. اما ساعاتی بعد، در جریان عملیات، بالگرد امدادی دچار سانحه شد و سقوط کرد. در این حادثه، دو نفر از خدمه پرواز شامل خلبان و مهندس پرواز جان باختند.»

صعودهای پرمخاطره، بحران‌های تکرارشونده

در سال‌های اخیر، صعودهای بدون مجوز، غیرایمن و بی‌برنامه به ارتفاعات، به چالشی جدی برای ارگان‌های امدادی کشور تبدیل شده است. این نوع صعودها نه‌تنها جان کوهنوردان را به خطر می‌اندازد بلکه جان نیروهای امدادونجات را نیز تهدید می‌کند. حادثه اشترانکوه تازه‌ترین نمونه از این زنجیره تلخ است که در آن، یک اقدام بی‌برنامه به‌بهای جان دو تن از کادر پروازی حرفه‌ای کشور تمام شد.

جدال در شبکه‌های اجتماعی

حادثه اشترانکوه به‌سرعت در فضای مجازی بازتاب یافت و کاربران را به دو جبهه تقسیم کرد. برخی از کاربران و فعالان کوهنوردی با انتقاد از این صعود غیررسمی، آن را اقدامی غیرمسئولانه و بی‌احتیاط دانستند. آنان معتقد بودند این نوع صعودها جان امدادگران را به خطر می‌اندازد و نباید بدون مجوز و آموزش کافی راهی ارتفاعات شد. برخی حتی تا آنجا پیش رفتند که گفتند نباید برای افرادی که اصول ایمنی را رعایت نمی‌کنند، عملیات امداد اجرا شود. در مقابل، گروهی دیگر تأکید کردند نجات جان انسان وظیفه‌ای انسانی و حرفه‌ای است. آنان نوشتند: اگر قرار باشد مسئولیت شخصی مانع نجات شود، فلسفه امداد و فداکاری از بین می‌رود. به باور این گروه، مشکل در ضعف تجهیزات و امکانات نهادهای امدادی است، نه در اصل مأموریت نجات. این دوگانه احساسی و اخلاقی، بازتاب دغدغه‌ای عمیق‌تر است: میان مسئولیت فردی و مسئولیت نهادی در شرایطی که جان انسان‌ها در خطر است، کدام بر دیگری تقدم دارد؟ حادثه اشترانکوه بار دیگر نشان داد امداد کوهستان در ایران نه‌فقط یک مأموریت فنی، بلکه آزمونی اخلاقی و اجتماعی است. میان شور صعود و ضرورت ایمنی، میان اراده نجات و کمبود امکانات، هر حادثه می‌تواند به فاجعه‌ای ملی بدل شود. درحالی‌که خلبانان و امدادگران با کمترین امکانات جان خود را برای نجات دیگران به خطر می‌اندازند، لازم است جامعه کوهنوردی و مسئولان با نگاه تازه‌ای به ایمنی، آموزش و تجهیز امداد کوهستان بنگرند تا نجات، دیگر با مرگ گره نخورد.

گفت‌وگو با رئیس کمیته جست‌وجو و نجات فدراسیون کوهنوردی

«حمید مساعدیان»، عضو کمیسیون پزشکی اتحادیه جهانی کوهنوردی و رئیس کمیته جست‌وجو و نجات فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی، از چهره‌های برجسته در امداد کوهستان است. او که خود جزو کوهنوردان حرفه‌ای ایران به‌شمار می‌رود و به قله‌های متعددی در جهان صعود کرده، درباره حادثه اشترانکوه و وضعیت امداد کوهستان در ایران به «پیام ما» می‌گوید: «این حادثه و حوادث مشابه جنبه‌های مختلفی دارد. در شرایطی هستیم که هر سال به تعداد علاقه‌مندان به ورزش‌های طبیعت‌محور اضافه می‌شود. این روند به‌خودی‌خود خوب است، اما باید ببینیم آیا امکانات کافی و مناسب برای امدادونجات این افراد را داریم یا نه؟» او به یکی از مشکلات ساختاری سال‌های گذشته اشاره می‌کند و می‌گوید: «تا سال ۱۴۰۰، گفته می‌شد سازمان امدادونجات هلال‌احمر مسئولیتی رسمی در حوزه امداد کوهستان ندارد، اما درنهایت با پیگیری‌های صورت‌گرفته، مجلس شورای اسلامی مصوب کرد که این سازمان، مسئول امدادونجات در کوهستان هم هست.» مساعدیان می‌گوید فدراسیون کوهنوردی، با وجود اینکه وظیفه قانونی در حوزه امدادونجات ندارد، در بسیاری از عملیات‌ها با هلال‌احمر همکاری کرده است: «با توجه به محدودیت‌های امکاناتی که سازمان هلال‌احمر در بخش‌های نجات دارد، فدراسیون کوهنوردی نیز در برخی از عملیات‌های امدادونجات در کوهستان به کمک این سازمان می‌آید. برای مثال در حادثه‌ای که چند سال پیش رخ داد و دو کوهنورد نیاز به کمک پیدا کردند، هلال‌احمر گفت در ارتفاع چهار هزار و ۸۰۰ متری و در دمای منفی ۴۰ درجه سانتی‌گراد، فردی را برای امدادرسانی در این شرایط ندارم و با توجه به شرایط آب‌وهوایی پرمخاطره درنهایت چند تن از کوهنوردان حرفه‌ای فدراسیون کوهنوردی اقدام به عملیات امدادونجات کردند. ما ازاین‌دست عملیات‌ها زیاد داشته‌ایم که سازمان امدادونجات با کمک فدراسیون کوهنوردی به کوهنوردان آسیب‌دیده کمک کرده است.» او تأکید می‌کند هر حادثه کوهستانی فقط جنبه فنی ندارد، بلکه بُعد اجتماعی هم دارد: «ما یک شعار داریم: هر کوهنورد باید یک امدادگر باشد. در این سال‌ها تلاش کرده‌ایم آگاهی کوهنوردان را بالا ببریم و در بسیاری از عملیات‌ها از خود آنان برای کمک استفاده کنیم.» مساعدیان در ادامه با ارائه آماری می‌گوید: «تعداد کوهنوردان رسمی در کشور که زیر نظر باشگاه‌های کوهنوردی فعالیت خود را دنبال می‌کنند، حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر است؛ اما تخمین می‌زنیم بیش از چهار میلیون نفر به‌صورت عمومی در فعالیت‌های طبیعت‌گردی و کوهپیمایی حضور دارند. این افزایش جمعیت، در کنار محدودیت امکانات، باعث افزایش حوادث شده است. برای مثال رشته درنوردی در سال‌های اخیر طرفداران زیادی یافته است، اما در ۱۰ سال اخیر بیش از ۳۸ کشته در حوادث درنوردی داشته‌ایم. اگر فردی در درنوردی دچار حادثه شد، سازمان امدادونجات هلال‌احمر افراد حرفه‌ای برای نجات را دارد یا خیر؟ به همین دلیل است که ما از ظرفیت ورزشکاران حرفه‌ای فدراسیون کوهنوردی برای این بخش استفاده می‌کنیم.» او به محدودیت‌های تجهیزات امدادی در ایران اشاره می‌کند: «هلال‌احمر می‌گوید هلی‌کوپترهای این سازمان اغلب توان پرواز در ارتفاع بالای سه‌هزار و ۵۰۰ متر را ندارند. بااین‌حال، همیشه همکاری خوبی از سوی نیروهای هلال‌احمر وجود دارد. واقعیت این است که ناوگان امداد هوایی ما فرسوده و قدیمی است و همین هم عملیات امدادونجات را پرمخاطره کرده است. حتی در کشورهایی مثل نپال یا پاکستان از بالگردهای مدرن استفاده می‌شود، اما در ایران این امکان هنوز فراهم نشده است.» مساعدیان از فداکاری خلبانان و کادر پروازی نیز یاد می‌کند: «این خیلی تلخ است که افرادی که برای نجات جان دیگران راهی مأموریت می‌شوند، خودشان جان بدهند. در این حادثه نیز متأسفانه خلبان و مهندس پرواز جان خود را از دست دادند و نباید فراموش کرد تربیت چنین نیروهایی حرفه‌ای سال‌ها زمان می‌برد و ما به‌راحتی این عزیزان را از دست می‌دهیم.» او در ادامه می‌گوید: «در کشورهای اروپایی شرایط امداد کوهستان بسیار متفاوت است و اگر کسی دچار حادثه شود، شاید در حدود ۱۰ دقیقه هلی‌کوپتر بالای سر فرد حادثه‌دیده می‌رسد. در کشورهای دیگر امداد خصوصی هوایی وجود دارد و چندین شرکت امداد هوایی برای عملیات در کوهستان آماده فعالیت هستند. در این شرایط، فرد کوهنورد شاید سالی ۱۰۰ یورو هزینه بیمه خود می‌کند و اگر دچار حادثه شود، به‌سرعت برای او بالگرد اعزام می‌شود. اما در ایران با همه محدودیت‌ها و دشواری‌ها، با چنگ و دندان عملیات نجات را انجام می‌دهیم.» مساعدیان در پایان به ضرورت آموزش و آگاهی عمومی اشاره می‌کند: «از جامعه کوهنوردی می‌خواهیم قبل از صعود، همه جوانب را در نظر بگیرند. آیا بدنشان آمادگی لازم را دارد؟ آیا تجهیزاتشان مناسب است؟ آیا گروهشان رسمی و مجرب است؟ متأسفانه گاهی گزارش‌های کاذب از حادثه هم داریم که باعث اتلاف منابع و به خطر افتادن نیروها می‌شود. مواردی داشته‌ایم که گاهی فرد فقط دچار خستگی شده و درخواست کمک کرده و درنهایت امداد هوایی راهی منطقه شده است.» او در پایان به این نکته اشاره می‌کند: «حادثه اشترانکوه نشان داد باید امداد کوهستان را از همه جنبه‌ها بازنگری کنیم؛ از آموزش گرفته تا تجهیزات و مسئولیت‌پذیری فردی. اگر می‌خواهیم دیگر شاهد ازدست‌رفتن امدادگران نباشیم، باید از تکنولوژی و تجربه جهانی در این حوزه بهره بگیریم.»

ایرنا

ارسال مطابق نباشد، ثبت می‌شود.

بعد از پایان این مراحل، اشیا وارد ویترین‌های نمایشگاهی می‌شوند. این ویترین‌ها هم پلمب‌شده و تحت کنترل امین اموال موزه امانت‌دهنده قرار می‌گیرد. باز کردن ویترین تنها در شرایط اضطراری مانند جنگ، انفجار یا آتش‌سوزی مجاز است و در این شرایط، برگزارکنندگان نمایشگاه موظف‌اند حداکثر ظرف دو ساعت به طرف مقابل -فرد و نماینده‌ای که در قرارداد مشخص شده است- اطلاع دهند. طرف مقابل هم موظف است فوراً و از طریق سامانه‌های برخط مورد تأیید دو کشور با مدیر مربوطه ارتباط برقرار کند تا مجوز لازم برای باز کردن ویترین‌ها صادر شود. به‌عنوان مثال، در یکی از نمایشگاه‌های ما در تهران که طرف مقابل، یعنی اسپانیا، به‌دلیل محدودیت‌های کرونایی نمی‌توانست برای دریافت اشیای نمایشگاه به تهران بیاید، ما از دوربین‌های مداربسته برای کنترل برخط استفاده کردیم و طرف اسپانیایی از طریق سامانه‌های برخط تمام مراحل را به‌صورت زنده مشاهده می‌کرد و ما اشیا را بسته‌بندی و ارسال کردیم. بعد از ارسال در چنین شرایطی، طرف مقابل موظف است اشیا را کارشناسی و ما را از سلامت آنها مطلع کند.

بنابراین، کارشناسان کشور مقصد حتی حق دست زدن به اشیا را هم ندارند؟

بله. یکی از موارد مهم درباره مستندنگاری اشیا این است که طرف مقابل به شیء دسترسی ندارد؛ نمی‌تواند از آنها عکاسی حرفه‌ای کند. چنین مجوزی صادر نمی‌شود. شیء فقط در کشور مبدأ عکاسی می‌شود. آنها همچنین اجازه دست‌زدن به شیء را ندارند. شیء در ویترین قرار می‌گیرد و ویترین پلمب می‌شود. بعد از پایان نمایشگاه، امین اموال مسئول تطبیق پلمب‌هاست؛ درصورت بروز هرگونه شک، دوربین‌ها بازبینی و همه مراحل بررسی می‌شود. بعد از آن اشیا در جعبه قرار گرفته و مجدداً با حضور نمایندگان هر دو طرف پلمب و به کشور مبدأ بازگردانده می‌شوند. این مقررات بسیار شفاف و دقیق است.

مهمترین سوال این است که آیا امکان دارد موزه‌ای اشیای اصل دیگر کشورها را دریافت و بعد نمونه تقلبی آن را تهیه و جایگزین کند؟

چرا باید چنین کاری کند؟ این کار منطقی نیست؛ تهیه نسخه تقلبی از اشیای اورجینال، هویت و اعتبار فرهنگی یک کشور را زیر سؤال می‌برد و در چارچوب قراردادها و پروتکل‌های بین‌المللی بی‌معنی است. آیا واقعاً می‌توان تصور کرد یک کشور آگاهانه هویت فرهنگی خود را زیر سؤال ببرد؟ یعنی در یک موزه، شیء اصیلی را که براساس تفاهم‌نامه و قرارداد رسمی، با امضای نمایندگان دو دولت تبادل شده، با نمونه‌ای تقلبی جایگزین کند؟ در چنین قراردادهایی، دولت میزبان با امضای رسمی، به کشور امانت‌دهنده مصونیت قضائی می‌دهد. درواقع، از سوی آن کشور یک «نامه مصونیت» دریافت می‌کند. بسیاری از کشورها عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه مصونیت فرهنگی هستند. بر این اساس، نمی‌توان پذیرفت یک کشور یا موزه بخواهد از چنین شرایطی سوءاستفاده کند و دست به اقدامی مثل سرقت فرهنگی بزند.

پس شما می‌گویید اصلاً سرقت نفعی برای کشور میزبان ندارد؟

به‌نظر من، مشکل آنجاست که ما شناخت دقیقی از کارکرد موزه‌ها نداریم. موزه‌های ما سال‌هاست که در انزوا مانده‌اند و کمتر در تعاملات بین‌المللی شرکت کرده‌اند. به همین دلیل، برخی تصور می‌کنند اشیای موزه‌ای باید صرفاً در داخل کشور باقی بمانند. درحالی‌که چنین نیست. وظیفه موزه‌ها تنها نگهداری نیست؛ بخشی از مأموریت اصلی موزه‌ها تعامل فرهنگی، تبادل نمایشگاهی و ارتباط با همتایان بین‌المللی است. همه موزه‌های ما باید فعالانه با نهادهای مشابه در دیگر کشورها وارد مذاکره شوند و نمایشگاه‌های مشترک برگزار کنند. البته، این به‌معنای نادیده گرفتن نگرانی‌ها نیست؛ طبیعی است که باید با رعایت دقیق پروتکل‌ها و مقررات امنیتی، اقدامات لازم برای حفاظت از آثار انجام شود.

اشیای موزه‌های ایران که به نمایشگاه‌های کشورهای دیگر ارسال می‌شوند، از نظر وضعیت بیمه چه شرایطی دارند؟

قبل از شروع تحریم‌ها، اشیای ما توسط شرکت‌های بزرگ و معتبر اروپایی بیمه می‌شدند و در این زمینه مشکلی وجود نداشت. حتی در مواردی که اشیا برای نمایشگاه‌هایی در کشورهای آسیایی ارسال می‌شدند، معمولاً قراردادهای بیمه از طریق شرکت‌های اروپایی منعقد می‌شد. بعد از تحریم‌ها، شرایط تغییر کرد. شرکت‌های بیمه اروپایی اعلام کردند به‌دلیل خطر قرار گرفتن تحت تحریم‌های بین‌المللی، امکان ادامه همکاری در بیمه آثار تاریخی و فرهنگی ایران را ندارند. این موضوع حتی در مراحل نهایی برنامه‌ریزی چندین نمایشگاه مهم، خود را نشان داد. ما با چند موزه بزرگ وارد مذاکره شده بودیم، نمایشگاه طراحی و اشیای مورد نظر انتخاب شده بودند. اما وقتی به مرحله بیمه رسیدیم، شرکت‌های بیمه اعلام کردند قادر به ارائه خدمات بیمه‌ای نیستند. دلیل اصلی هم نگرانی از عواقب احتمالی تحریم‌ها بود. آنها صراحتاً عنوان می‌کردند که حتی یک‌بار همکاری با ایران می‌تواند برایشان تبعات سنگینی داشته باشد و به همین دلیل این ریسک را نکردند. نبود همکاری شرکت‌های بیمه اروپایی در آن مقطع، عملاً مانع از پیشرفت بسیاری از پروژه‌های بین‌المللی ما شد. درنهایت، ما به سراغ چینی‌ها رفتیم و با آنها وارد مذاکره شدیم؛ در ابتدا تصور می‌کردیم شرکت‌های بیمه چین می‌توانند این خدمات را انجام دهند، اما آنها هم به‌دلیل تحریم‌های آمریکا حاضر به پذیرش این ریسک نبودند. بنابراین، ما در داخل کشور با یکی از شرکت‌های بزرگ بیمه مذاکره کردیم. همکاری بسیار خوبی بین موزه ملی ایران و این شرکت بیمه شکل گرفت تا بتوانیم فرمت بیمه‌ای مناسب و Insurance Policy برای اشیای موزه‌ای در نمایشگاه‌های خارجی تعریف کنیم. این فرمت بیمه‌ای مشابه آنچه در سایر کشورها معمول است و شامل مقرراتی است که مشخص می‌کند درصورت خسارت چه اقداماتی باید انجام شود و چه هزینه‌هایی باید پرداخت شود. ما این مقررات را از شرکت‌های بیمه معتبر کشورهای مختلف مانند ایتالیا، اسپانیا، آمریکا، فرانسه، انگلیس و روسیه جمع‌آوری و متناسب با شرایط ایران بومی‌سازی کردیم. تمامی این مقررات ترکیب و به شرکت بیمه ایرانی ارائه شد که بعد از بررسی، با آن موافقت کرد. این Insurance Policy که شرایط پوشش، تعهدات بیمه‌گر و بیمه‌گذار را تعیین می‌کند، برای طرف چینی هم ارسال شد.

تمام هزینه‌ها با طرف چینی بود؟

بله، ما بیمه کردیم، اما شرکت بیمه ایرانی حساب بانکی معتبری در خارج از کشور نداشت که بتوانیم پول را به آن واریز کنیم. بنابراین، از وزارت امور خارجه و سفارت ایران در چین کمک گرفتیم. واقعاً سفارت ما در چین زحمت زیادی کشید؛ چون کار بسیار سختی بود و طرف چینی هم همکاری قابل‌توجهی داشت. آنها پذیرفتند پول را به حساب وزارت امور خارجه در تهران واریز کنیم و وزارت امور خارجه مبلغ را به حساب شرکت بیمه منتقل کند تا بیمه پرداخت شود. این روند در سال ۲۰۱۹ (سال ۱۳۹۸) انجام شد. بعدازآن، ما توانستیم به‌راحتی نمایشگاه‌های خود را برگزار کنیم و مشکلات مربوط به بیمه و مسائل مالی را حل کنیم. این اولین‌بار بود که یک شرکت بیمه ایرانی بیمه اشیای نمایشگاه خارجی را انجام داد.

نماینده هیئت دولت در صدور مجوز نمایشگاه‌ها چه نقشی دارد؟ اشیا ابتدا باید در هیئت دولت تصویب شوند؟ آیا وقتی اشیا برمی‌گردند، نماینده‌ای از هیئت دولت حضور دارد؟

وقتی دو طرف (یعنی موزه ایران و موزه میزبان در کشور دیگر) بر سر برگزاری نمایشگاه توافق می‌کنند، فرایند رسمی از سوی ایران آغاز می‌شود. در اولین گام، موزه ملی فهرستی از اشیایی که قصد دارد به نمایشگاه خارجی بفرستد، تهیه می‌کند. این فهرست را به دپارتمان حفاظت و مرمت ارائه می‌دهد تا بررسی شود که آیا این اشیا از نظر فنی و حفاظتی قابل‌انتقال هستند یا نه. اگر دپارتمان حفاظت و مرمت تشخیص دهد که شیء مورد نظر قابلیت انتقال دارد، هیئتی تحت عنوان هیئت عالی کارشناسی تشکیل می‌شود. این هیئت، هر شیء را به‌صورت مجزا بررسی می‌کند؛ از نظر اصالت، اهمیت فرهنگی و تاریخی و همچنین، از نظر ارزش بیمه‌ای. بارها پیش آمده که اعضای این هیئت بنا به‌دلایل حفاظتی یا دیگر ملاحظات، تشخیص داده‌اند که یک شیء خاص مناسب برای انتقال نیست و از فهرست خارج می‌شود. درنهایت، این هیئت یک صورت‌جلسه رسمی تنظیم می‌کند که در آن برای هر شیء ارزش مالی (برای بیمه) تعیین می‌شود. مثلاً ممکن است اعلام شود یک شیء خاص، به‌دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد و ارزش تاریخی، ۵۰ میلیون یورو ارزش‌گذاری شده است. این صورت‌جلسه و مستندات بعدی، برای اخذ مجوز هیئت دولت ارسال می‌شود و مراحل اداری بعدی برای تصویب و اعزام اشیا آغاز می‌شود.

بعد از تایید هیئت دولت؛ ارسال آثار چه مراحل و شرایطی را طی می‌کند؟

مراحل از این قرار است؛ در ابتدا مدیر موزه ملی موافقت خود را برای برگزاری نمایشگاه اعلام می‌کند و به معاون میراث‌فرهنگی وزارتخانه میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی می‌فرستد. معاون میراث‌فرهنگی با رعایت مقررات، آن را به وزیر مربوطه ارائه می‌دهد. رعایت مقررات به این معناست که پروتکل‌ها و قرارداد امانت اشیا و قیمت‌گذاری اشیا باید برای هیئت دولت ارسال شود. دولت این موضوع را به کمیسیون فرهنگی می‌سپارد. کمیسیون فرهنگی جلسه‌ای تخصصی با حضور مدیر موزه و کارشناسان دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله وزارت ارشاد، میراث‌فرهنگی، اقتصاد و دارایی و وزارت امور خارجه برگزار می‌کند تا ضرورت برگزاری نمایشگاه بررسی شود. البته پیش از برگزاری جلسه، هر دستگاه نظر مکتوب خود را به کمیسیون فرهنگی ارائه داده است.

در جلسه کمیسیون فرهنگی وزرا، از جمله وزیر میراث‌فرهنگی، حضور دارند و اگر کمیسیون تصویب کند، موضوع به هیئت دولت ارجاع می‌شود. در هیئت دولت، علاوه‌بر معاونت فرهنگی ریاست‌جمهوری، قرارداد توسط مدیران موزه‌ها و نمایندگان حقوقی وزارتخانه‌ها و معاونت حقوقی وزارت امورخارجه و معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری بررسی و نهایی می‌شود. بعد از تأیید قرارداد، مدیر موزه اجازه امضای آن را پیدا می‌کند. درنهایت، هیئت دولت مجوز برگزاری نمایشگاه را صادر و تأکید می‌کند همه مقررات پروتکل در حضور امین اموال رعایت شود.

> بعد از تحریم‌ها، شرکت‌های بیمه اروپایی اعلام کردند به‌دلیل خطر قرار گرفتن تحت تحریم‌های بین‌المللی، امکان همکاری برای بیمه آثار تاریخی و فرهنگی ایران را ندارند
> مواردی پیش آمد که ما با چند موزه بزرگ وارد مذاکره شده بودیم، نمایشگاه طراحی و اشیای مورد نظر انتخاب شده بودند. اما وقتی به مرحله بیمه رسیدیم، شرکت‌های بیمه اعلام کردند قادر به ارائه خدمات بیمه‌ای نیستند

> تهیه نسخه تقلبی از اشیای اورجینال، هویت و اعتبار فرهنگی یک کشور را زیر سؤال می‌برد و در چارچوب قراردادها و پروتکل‌های بین‌المللی بی‌معنی است. آیا واقعاً می‌توان تصور کرد یک کشور آگاهانه هویت فرهنگی خود را زیر سؤال ببرد؟

یادداشت

تعادلی تازه میان امنیت، آزادی و اعتماد دیجیتال

کنترل والدین در ChatGPT

| جاوید مومنی |
| کارشناس فناوری اطلاعات |

وقتی نوجوانی شبانه درباره اضطراب امتحانش با ChatGPT حرف می‌زند، والدینش کجا هستند؟ پشت در اتاق، یا پشت دیوار الگوریتم‌ها؟

با گسترش سریع هوش‌مصنوعی‌های گفت‌وگومحور مانند ChatGPT، مسئله‌ای تازه در تربیت دیجیتال مطرح شده است: نوجوانان در گفت‌وگو با ماشین‌ها چقدر به نظارت و چقدر به آزادی نیاز دارند؟ پاسخ جدید OpenAI به این پرسش، قابلیتی به‌نام کنترل والدین (Parental Controls) است؛ ابزاری که می‌خواهد تعادلی میان محافظت، استقلال و اعتماد ایجاد کند.

نسل Z و گفت‌وگو با ماشین‌ها

نوجوانان امروزی در جهانی بزرگ می‌شوند که صحبت با هوش‌مصنوعی دیگر خیال علمی نیست. ChatGPT برایشان هم معلم است، هم مشاور، هم گاهی دوستی بی‌احساس. این گفت‌وگوها می‌توانند آموزنده باشند، اما خطرناک هم هستند؛ زیرا هوش‌مصنوعی احساس ندارد و در بحران‌های انسانی ممکن است پاسخ‌های سرد یا اشتباه بدهد. در سال‌های اخیر، چند پرونده در اروپا و آمریکا نشان داده که برخی نوجوانان در شرایط بحرانی به توصیه‌های نادرست مدل‌های زبانی عمل کرده‌اند. همین رویدادها بود که OpenAI را واداشت تا با معرفی «کنترل والدین»، گامی در جهت مسئولیت‌پذیری اخلاقی بردارد.

جزئیات ویژگی جدید OpenAI

OpenAI در بیانیه رسمی خود با عنوان Teen Safety, Freedom, and Privacy می‌گوید هدف از این ویژگی، ایجاد توازن میان ایمنی، آزادی و حریم خصوصی نوجوانان است. والدین حالا می‌توانند حساب کاربری خود را به حساب فرزندشان وصل کنند، محدودیت زمانی بگذارند یا بعضی امکانات مثل تولید تصویر را ببندند. اما نکته جالب این است که حتی در این حالت نیز، والدین نمی‌توانند متن گفت‌وگوها را ببینند.

OpenAI تصریح کرده است والدین به محتوای گفت‌وگوها دسترسی ندارند و تنها درصورت تشخیص خطر جدی روانی، مانند قصد خودآزاری، سیستم هشدار می‌دهد. به‌عبارتی، شرکت تلاش کرده تعادل میان حفاظت و حریم خصوصی را حفظ کند، چنین احترامی به حریم خصوصی نوجوانان در طراحی محصولات دیجیتال، هنوز استثناست نه قاعده. جزئیات فنی این ابزار در راهنمای رسمی Parental Controls on ChatGPT آمده است.

چالش بومی: از کنترل تا گفت‌وگو در جامعه ایران

در ایران دسترسی نوجوانان به ابزارهای هوش‌مصنوعی معمولاً از مسیر VPN یا حساب والدین انجام می‌شود. بنابراین، استفاده رسمی از ویژگی «کنترل والدین» فعلاً ممکن نیست. اما اهمیت موضوع فراتر از امکان فنی است.

مسئله اصلی، فرهنگ اعتماد دیجیتال است: در جامعه‌ای که نظارت اغلب با کنترل مطلق یکی گرفته می‌شود، ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی برابر میان والد و فرزند ضروری است.

نبود آموزش رسمی درباره سواد هوش‌مصنوعی در مدارس، کمبود منابع بومی در روانشناسی دیجیتال و ضعف قوانین حفاظت از داده‌های کودکان، همگی خطرات بالقوه‌ای برای نسل در حال رشد هستند. درحالی‌که در اروپا و آمریکا قوانینی مانند COPPA و GDPR-K حریم نوجوانان را تضمین می‌کنند، در ایران هنوز چارچوبی مشابه وجود ندارد. فقدان چارچوب بومی برای حفاظت از داده‌های نوجوانان، آنها را در برابر دو خطر هم‌زمان قرار می‌دهد: افراط در نظارت داخلی و بی‌پناهی در فضای جهانی.

مسیر پیش رو: از فناوری تا فرهنگ

افزودن کنترل والدین به ChatGPT تنها یک ویژگی نرم‌افزاری نیست؛ نشانه‌ای از بلوغ اخلاقی در طراحی فناوری است. آینده تربیت دیجیتال در ایران نه در فیلترها، بلکه در سه مسیر شکل می‌گیرد: آموزش والدین برای گفت‌وگو به‌جای سانسور، ورود درس «تربیت دیجیتال» به مدارس و آغاز بحثی اجتماعی درباره اعتماد و مسئولیت در فضای مجازی.

*کنترل والدین در ChatGPT گامی کوچک اما معنادار و نشانه‌ای از گذار از عصرِ «هوش‌مصنوعیِ بی پدر و مادر» به‌سوی مسئولیتی مشترک میان خانواده و فناوری است؛ گفت‌وگویی که نه در بخشنامه‌ها، بلکه در خانه‌ها باید آغاز شود.

برای ما در ایران، این فرصت یادآور ضرورتی است: بازتعریف تربیت دیجیتال، نه برپایه ترس و ممنوعیت، بلکه براساس گفت‌وگو و اعتماد.

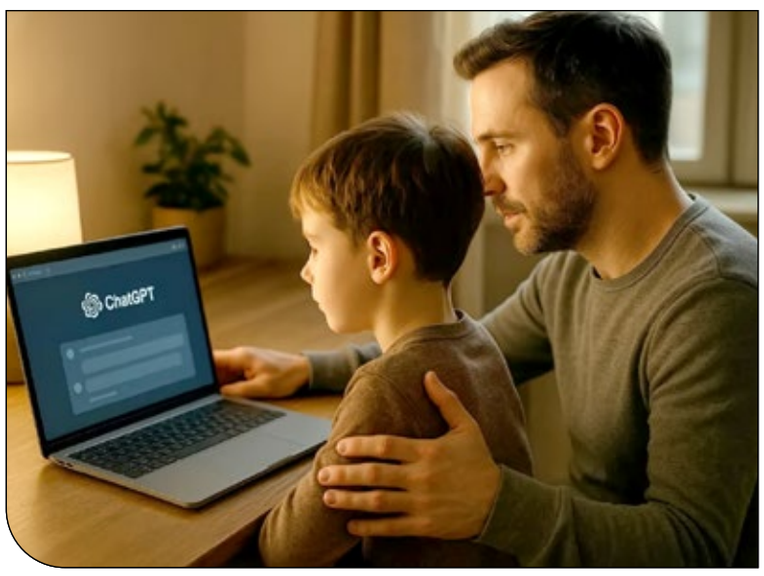

خبر

رونمایی ترکیه از فهرست قرمز آثار فرهنگی در معرض خطر

وزیر فرهنگ و گردشگری ترکیه در مراسم رونمایی از فهرست قرمز ICOM ترکیه که در شهر بدروم برگزار شد، اعلام کرد طی هشت سال گذشته بیش از ۹ هزار اثر فرهنگی به کشور بازگردانده شده‌اند. فهرست قرمز قرار است راهنمایی برای حفاظت از آثاری باشد که در معرض خطر قاچاق قرار دارند. «محمت نوری ارسوی» اعلام کرد با معرفی «فهرست قرمز ICOM برای آثار فرهنگی در معرض خطر ترکیه» این کشور آغازگر مرحله‌ای جدید در مبارزه با قاچاق آثار فرهنگی شد. او گفت: «فهرست قرمز نه‌تنها برای ترکیه، بلکه برای جامعه جهانی نیز دستاوردهای مهمی خواهد داشت.» ارسوی در ادامه به سوءتفاهم‌های موجود درباره فهرست قرمز اشاره کرد و گفت: «این فهرست، فهرست اشیای گمشده نیست؛ بلکه راهنمایی است برای شناسایی انواع آثاری که در معرض خطر قاچاق قرار دارند. این فهرست موجب افزایش آگاهی در میان نیروهای انتظامی، گمرک، موزه‌ها و فعالان بازار هنر می‌شود. از سال ۲۰۰۰ تا کنون فهرست‌های قرمز برای کشورهای مختلف منتشر شده‌اند و نقش مهمی در پیشگیری از قاچاق ایفا کرده‌اند. برای تهیه نسخه ترکیه، کارشناسان ICOM با موزه‌داران ترکیه همکاری نزدیکی داشته‌اند.» به‌گفته او، در تدوین این فهرست، نهادهایی چون موزه باستان‌شناسی استانبول، موزه هنرهای ترکی و اسلامی، موزه تمدن‌های آناتولی و موزه موزاییک زئوگما در غازی‌آنتپ در این پروژه نقش داشتند. ارسوی معتقد است: «این نهادها نماینده همه مناطق کشور هستند. فهرست قرمز نه‌فقط انواع آثار در معرض خطر، بلکه غنای فرهنگی و تنوع منطقه‌ای ترکیه را نیز بازتاب می‌دهد.»

او با اشاره به تأسیس اداره‌کل مبارزه با قاچاق آثار فرهنگی در سال ۲۰۲۰، گفت: این اداره ظرفیت نهادی کشور را افزایش داده و نتایج قابل‌توجهی به‌همراه داشته است؛ «در پنج سال گذشته، بیش از ۹۰۰ هزار اثر پیش از خروج از کشور، به موزه‌ها تحویل داده شده‌اند. در این موفقیت، نیروی انتظامی، ژاندارمری و نیروهای گمرکی نقش مهمی داشته‌اند. هر فردی در حفاظت از میراث‌فرهنگی نقش دارد؛ زیرا این آثار تنها متعلق به گذشته نیستند، بلکه حامل هویت ما نیز هستند.» او تأکید کرد: قاچاق آثار فرهنگی به‌دلیل ماهیت بین‌المللی آن، جرمی جهانی محسوب می‌شود و مقابله با آن نیازمند همبستگی جهانی است. |میلیت

وزیر گردشگری:

مسافران عراقی به ۵ میلیون نفر می‌رسد

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی از افزایش مسافران و زائران عراقی از ۳.۵ به ۵ میلیون نفر خبر داد.

«سیدرضا صالحی امیری» در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران، گفت: در حوزه گردشگری ۸۰ نفر از جامعه هتلداران و آژانس‌های مسافرتی در عراق هستند تا جهت‌گیری جدید سفرهای زمینی ایران به عراق برای گسترش گردشگری از بصره به شهرهای مختلف از جمله بغداد انجام شود.

او ادامه داد: «توافق با عراق در این زمینه نقطه‌عطفی است که به پیشنهاد طرف عراقی انجام شد و ان‌شاءالله اجرایی خواهد شد. در این توافق قرار است ۳.۵ میلیون مسافر عراقی به پنج میلیون نفر افزایش یابد.»

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی از سفر قریب‌الوقوعش به عراق خبر داد و گفت: «ان‌شاءالله در آینده نزدیک به بغداد سفر خواهم داشت تا تفاهم‌نامه‌ها امضا شوند.»

صالحی امیری یادآور شد: «خوشبختانه عراقی‌ها به مشهد، اصفهان، شیراز، کیش، رشت و سایر شهرهای ایران سفر می‌کنند و یکی از کانون‌های مدنظر ما در حوزه گردشگری کشور عراق است که به‌زودی توافقاتش نهایی و امضاء می‌شود.»

او از پیشرفت فیزیکی ۵۸ درصدی آرامگاه شمس تبریزی خبر داد و گفت: «۴۸ درصد باقی مانده کمتر از یک سال آینده تکمیل می‌شود و در روز گرامیداشت مولانا و شمس که ۷ و ۸ مهر ۱۴۰۵ می‌شود، این آرامگاه افتتاح خواهد شد. با افتتاح این بنای زیبا که به دست معماران متبحر کشورمان ساخته می‌شود، شهر خوی نیز مثل شهر قونیه زیارتگاه عاشقان مولانا و شمس می‌شود.» |ایسنا

روزنامه پیام ما
www.payamema.ir

● پنجشنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۴ ● سال بیست و یکم ● شماره پیاپی ۳۲۴۳

روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
سردبیر: فاطمه علی‌اصغر
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط‌زیست و منابع‌طبیعی: فاطمه باباخانی
دبیر انرژی، کشاورزی و جامعه محلی: ستاره حجتی
دبیر میراث فرهنگی: فرزانه قبادی
دبیر اجتماعی: مهتاب جودکی
صفحه‌آخر: صدف سرداری
صفحه‌آرایی: علی اکبرزاده، آتنا شریف‌زاده

ویراستار: فرح ابوطالبی
خبرنگاران: فروغ فکری، حمیدرضا میرزاده، مرضیه قاضی‌زاده، مریم محمودخواه، کبریا حسین‌زاده، مرجان حاج رحیمی، سمیه ایمانیان، نادره وائلی‌زاده، کوثر نمک‌شناس، مریم کاظمی‌زاده، ریحانه حیدری، پریسا ساسانی، کوروش دیباج، مجتبی بیگلری
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملایی، الهام سرگزی، شیوا کرمی

رتبه روزنامه پیام ما : ۲
نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
شماره نمابر: ۷۱۰۵ ۷۴۲۲-۰۲۱
تحریریه: داخلی ۱
استان‌ها: داخلی ۲
برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴
آگهی استان‌ها: عرفانه بهرامجردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)
توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۴۲۵۶)
تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول
نشانی : کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲
تلفن: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱ / تلفن: ۳۲۴۴۸۰۸۶-۰۳۴
ایمیل سازمان آگهی ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com
@payamema
@payamema
۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
www.payamema.ir

پیام ما دیروز

عکس نوشت

عکس: کبری رضایی - مهر

کاروانسرای تاریخی رباط شرف در شرق سرخس، از شاخص‌ترین آثار معماری دوره سلجوقی در خراسان و یکی از جاذبه‌های گردشگری مهم این شهرستان است. این بنا در قرن ششم هجری و در مسیر تاریخی مرو به نیشابور، یکی از شاخه‌های جاده ابریشم، ساخته شده است.

| حاشیه |

ماجرای کنسرت «همایون شجریان» به کجا رسید؟

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره زمان و محل برگزاری کنسرت «همایون شجریان» اعلام کرد پس از بازگشت او از سفر، درباره جزئیات این اجرا تصمیم‌گیری خواهد شد.
«سیدعباس صالحی» در حاشیه جلسه هیئت دولت (چهارشنبه ۱۶ مهر) در گفت‌وگو با خبرنگاران تأکید کرد برگزاری کنسرت‌های مشترک میان ایران و دیگر کشورها همچنان در دستورکار است و در دیدارهای اخیر خود با یونسکو و وزرای فرهنگ کشورها نیز درباره این موضوع گفت‌وگو شده است.
در مورد تأخیر در ترخیص کاغذهای وارداتی نیز صالحی گفت هماهنگی‌ها با وزارت راه انجام شده و انتظار می‌رود تا هفته آینده خبرهای خوبی در این زمینه منتشر شود.
وزیر فرهنگ همچنین به حواشی مربوط به برکناری یکی از معاونان این وزارتخانه به‌دلیل صدور مجوز برخی فیلم‌های ممنوع واکنش نشان داد و گفت: «این موضوع بیشتر گمانه‌زنی است و روند صدور مجوزها در سازمان سینمایی مطابق فرایند مشخصی انجام شده است.»
صالحی به موضوع فیلم‌های ایرانی معرفی‌شده به اسکار اشاره کرد و تصریح کرد: «این سه فیلم در چارچوب فرایند تولید داخل نبوده‌اند. هرچند فیلمسازان ایرانی خارج از کشور می‌توانند در این رقابت شرکت کنند، اما این آثار در قالب سینمای ایران تعریف نمی‌شوند.» |ایرنا

| گزارش |

نگاهی به دلایل مهجوریت تدریجی تمبر در ایران به مناسبت روز جهانی آن

آخرین سفر تمبر

| زهرا کرد |
| روزنامه‌نگار |

در سال ۱۸۴۰ نخستین تمبر جهان «پنی‌بلک»، در انگلستان چاپ شد. نزدیک به سه دهه بعد، ناصرالدین‌شاه در سفر به اروپا با تمبر آشنا شد؛ رهاورد این سفر انتشار نخستین تمبر ایرانی به‌نام «تمبر باقری» در سال ۱۸۶۸ بود. حالا ۱۵۷ سال از آن روز می‌گذرد و تمبر، این سند کوچک ارتباطات، در ایران حال خوشی ندارد؛ کشوری که زمانی از نخستین اعضای اتحادیه جهانی پست بود، تمبر را به حافظه تاریخی سپرده و در مراسلات پستی به برچسب بی‌هویت سفیدی تبدیل شده‌است. طبق قوانین اتحادیه جهانی پست (UPU)، هر کشور موظف است سالانه مجموعه‌ای از تمبرهای چاپ‌شده خود را برای بایگانی و تبادل فرهنگی میان ۱۹۲ کشور عضو این اتحادیه ارسال کند. به‌این‌ترتیب، تمبرهای ایران در کشورهایی نظیر اسرائیل و آمریکا که روابط دیپلماتیک رسمی با ایران ندارند نیز دیده می‌شود. این مهم گواه اهمیت و نقش بی‌بدیلی است که تمبر در دیپلماسی فرهنگی ایفا می‌کند. به مناسبت تأسیس اتحادیه پست هرساله ۹ اکتبر (مصادف با ۱۷ مهرماه) را روز جهانی پست و تمبر می‌دانند. در این گزارش دلایل مهجوریت تدریجی این رهاورد فرنگی ناصرالدین‌شاه را مرور می‌کنیم.

تک‌صدایی در طراحی تمبر

«عبدالامیر صراف‌زادگان»، طراح باسابقه و دبیر پیشین شورای‌عالی تمبر، از این شورا و نقش مهم آن می‌گوید: «طراحی تمبر فرایندی رسمی و دقیق زیر نظر شورای‌عالی تمبر است؛ شورایی که از سال ۱۳۴۲ تصمیم‌گیری و طراحی تمبر را برعهده دارد و هم‌اکنون با حضور نمایندگان وزارتخانه امور خارجه، ارتباطات و فناوری اطلاعات، فرهنگ و ارشاد اسلامی، امور اقتصاد و دارایی و سازمان تبلیغات اسلامی است. این شورا طی جلسات ادواری و متناسب با وقایع جامعه، طرح‌های پیشنهادی تمبر را بررسی می‌کند و نمونه نهایی را پس از تأیید برای چاپ ارسال می‌کنند.» تمبر ویترین بی‌انقضایی برای یک اثر هنری است. قطعه کاغذی که برخلاف ظاهر کوچکش، جهانی از معنا را کیلومترها حمل می‌کند. «مهناز طاهری»، گرافیست و طراح تمبر است. این هنرمند با بیش از ۳۰۰ تمبری که طی ۲۴ سال کار طراحی کرده، دلیل بی‌میلی طراحان معاصر را چنین بیان می‌کند: «اساساً کار طراحی و هنر عرصه خلاقیت است و در خلاقیت اجبار و چارچوب معنایی ندارد. به‌همین دلیل، با وجود برگزاری فراخوان‌های متعدد برای طراحی تمبر از جانب شرکت ملی پست، خروجی قابل‌ملاحظه‌ای نمی‌بینیم. چنین رویکردی سبب می‌شود طراحان معروف نیز به مشارکت در طراحی تمبر علاقه‌ای نشان ندهند.» این درحالی‌است که «مهدی شاپوری»، مدیرکل مهندسی عملیات و امور پیمانکاران پستی، بر ظرفیت‌های نهفته شورای تمبر تأکید دارد و از نمونه‌هایی چون تمبر «غزه» یاد می‌کند که با همکاری طراحان خارجی منتشر شده است.

از سوی دیگر، مجموعه‌داران و علاقه‌مندان تمبر روایت دیگری دارند. «مسعود تاکستانی مجرد»، مجموعه‌دار سابق اهل بندرعباس، می‌گوید: «در تمبرهای معاصر جذابیت محتوایی و بصری برجسته‌ای دیده نمی‌شود. با تورقی در تمبرهای چند دهه گذشته درمی‌یابیم که در تمبرها تنوع فرهنگی و تاریخی موج می‌زد، اما حالا طرح‌ها محدود به چند پارادایم ایدئولوژیک شده‌اند. تمبر آینه کوچکی از حافظه تاریخی ملت است، اما ما این آینه را خاک گرفته‌ایم.»

جای خالی تمبر روی پاکت‌های پستی

از اواسط دهه ۸۰ خورشیدی شاهد کاهش تدریجی طراحی، چاپ، انتشار و استفاده از تمبر هستیم؛ روندی که منجر به مهجور ماندن این اوراق بهادار فرهنگی است. صراف‌زادگان حذف تمبر از مراسلات پستی را بدعتی نامبارک در صنعت پست می‌داند: «تمبر، بهای خدمات پستی است که برای ارسال مرسوله می‌پردازند. این مرسوله در گذشته نامه بود و امروز بسته پستی و خریدهای اینترنتی است. اگرچه در ماهیت کار تمبر تغییری ایجاد نشده است، اما شاهد حذف تدریجی تمبر از مراسلات معمول پست هستیم.»

او ادامه می‌دهد: «هرچند امروزه از برچسب کاغذی به‌جای تمبر استفاده می‌کنند، اما همه می‌دانیم که این چسب برگردان سفید صرفاً بهای خدمات پستی را نشان می‌دهد و نشانی از ماهیت فرهنگی تمبر ندارد.» «حمیدرضا ابراهیمی»، مجموعه‌دار باسابقه و پژوهشگر حوزه تمبر، رویکرد شرکت پست در استفاده از تمبر را رویه‌ای می‌داند که از دولت‌های پیشین آغاز شده و بر مدار حذف تمبر ادامه یافته.
ابراهیمی معتقد است: «شرکت پست یکی از دلایل حذف تمبر از مرسوله‌های پستی را لزوم به‌روز شدن و استفاده از تکنولوژی‌های نوین می‌داند؛ این درصورتی‌است که جوامع توسعه‌یافته‌ای که امکان و ابزار تکنولوژیکی بیشتری از ما دارند، کماکان از تمبر به‌شکل متعارف، اما در بستر امروزی استفاده می‌کنند و بر حذف این سند تاریخی پافشاری ندارند.»
بااین‌حال، شاپوری کمبود فضا برای نوشتن آدرس، افزایش هزینه‌های پستی، تسهیل و تسریع در ارائه خدمات، تنوع و تفاوت در مرسوله‌ها و شفافیت در محاسبه هزینه پستی را از دلایل استفاده نکردن از تمبر در مراسلات معمول پستی می‌داند.

دلایل مهجوریت تمبر

اما در جهانی که سرعت اینترنت و تیک آبی دریافت پیام در کسری از ثانیه اتفاق می‌افتد، استفاده از تمبر چه لزومی دارد؟ ابراهیمی، مؤلف کتاب راهنمای تمبرهای ایران، رفتار دوگانه شرکت ملی پست در مواجهه با تمبر را نقد کرده و معتقد است: «اهمیت تمبر به‌اندازه‌ای است که در ساختار اداری شرکت ملی پست شورای مهمی نظیر شورای‌عالی تمبر را به آن اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر، برای این کالای فرهنگی محدودیت استفاده قرار داده‌اند؛ اساساً اگر قرار است تمبری به‌معنای واقعی‌اش استفاده نشود، چرا تولید می‌شود؟ زیرا ماهیت وجودی تمبر با استفاده توسط مردم است و وقتی این اوراق بهادار محدود به تمبر یادبود و اختصاصی شوند، وجود چنین شورای عریض و طویلی خالی از معنا است.»
شاپوری اما کاهش استفاده از تمبر را یک رویه جهانی و مرسوم می‌داند که متأثر از تغییر ذائقه مردم است؛ او چاپ تمبرهای شخصی و یادبود را راهکار حرفه‌ای برای احیا و حفظ تمبر در چرخه پست بیان می‌کند. بااین‌حال، صراف‌زادگان نبود خطمشی واحد و نگاه سلیقه‌ای در ساختار تصمیم‌گیران را دلیل محکم‌تری در سرنوشت تمبر در ایران می‌داند. ضعف ساختار قانونی و نگاه سلیقه‌ای به موضوع تمبر، تنها کالای ملی شرکت پست را با آینده نامشخصی مواجهه کرده است. آینده‌ای که به‌گفته ابراهیمی و بیشتر کارشناسان، منجر به حذف تمبر و فراموشی این سند تاریخی خواهد شد. تمبر صرفاً سندی برای بهای خدمات پست نیست؛ تاریخ مصور کشوری است که روزی جهان را از دریچه مربعی کوچک با هویتش آشنا می‌کرد.

| چهره |

روایت زمین‌شناس ایرانی که شهرتش در آلمان بیشتر است

کاش می‌توانستم برای ایران کار کنم

| مریم فاخر |
| خبرنگار |

«من یک بچه دهاتی بودم. در «بردسیر» بزرگ شدم. پدر و مادرم سواد نداشتند.» این را به «پیام ما» می‌گوید. او که در نودویکمین نشست «دوشنبه‌های ایکوم» با عنوان «موزه‌ها و معضل گردشگری» شرکت کرده بود، سال‌ها برای زمین‌شناسی ایران تلاش کرده و با فعالیت در دانشگاه تهران و آخن آلمان، سهمی مهم در توسعه این حوزه دارد و هنوز نگران آینده زمین‌شناسی و فعالیت موزه‌ها در ایران است. مهم‌ترین میراث او، «موزه شهاب‌سنگ نراق» است. اما چرا او به «نراق» رفت و این موزه را ایجاد کرد؟ در چهره این مرد ۸۶ساله وطن‌دوستی‌اش به‌خوبی پیداست. صحبت‌هایش نشان از آن داشت که ای کاش می‌توانستم همه این فعالیت‌ها را برای ایران انجام دهم؛ اما افسوس که طی این سال‌ها گردشگری در این حوزه، از جمله توسعه ژئوپارک‌ها، موزه‌ها و به‌خصوص موزه شهاب‌سنگ نراق به‌خوبی انجام نشده است. او باز هم با کوله‌باری از بغض و افسوس، ایران را به مقصد آلمان ترک می‌کند.

برای نشست «موزه‌ها و معضل گردشگری» ایکوم دعوت شده بود. با همه افراد خیلی گرم و راحت صحبت می‌کرد؛ انگار رفاقتی چندساله با همه داشت. چهره‌اش، چین‌وچروک‌هایش، موهای سفیدش، همگی نشان از عمری سرشار از تجربه داشتند. شروع به صحبت که کرد، همه افراد سالن در آرام‌ترین حالت ممکن قرار گرفتند. صدایش آرام بود و گرد روزگار بر آن نشسته بود. کودکی‌اش را در «بردسیر» کرمان سپری کرده و بعد از کلاس چهارم ابتدایی برای ادامه تحصیل به کرمان و سپس تهران رفته بود. به ۱۸سالگی که می‌رسد، ایران را به مقصد آلمان ترک می‌کند. «من یک بچه دهاتی بودم. در ده بزرگ شدم. پدر و مادرم سواد نداشتند.» این را با همان صدای گرم و آرامش می‌گوید. آلمان برایش شروع فصل تازه‌ای از زندگی بود. احتمالاً زندگی در منطقه‌ای کویری او را به سنگ‌ها و زمین علاقه‌مند کرده و همین باعث شده رشته زمین‌شناسی را انتخاب کند، اولین قدم‌ها را در مسیر علم بردارد و تحقیق و پژوهش را در دنیای بی‌انتهای سنگ‌ها و آتشفشان‌ها شروع کند. بعد از اتمام تحصیلات و کسب دکترا از «دانشگاه آخن آلمان»، به ایران باز می‌گردد. در مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران شروع به فعالیت می‌کند. در همین حین است که دیدار او با شهاب‌سنگ نراق رقم می‌خورد: «در سال ۱۳۵۳ که از طرف مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران برای تحقیق درباره فرونشست زمینی به استان زنجان رفته بودم، از مؤسسه به من خبر دادند سنگی از آسمان بر سقف مدرسه‌ای در نراق فرود آمده و من باید هرچه زودتر به نراق بروم.» این را در سایتی که خودش برای «موزه شهاب‌سنگ نراق» ایجاد کرده است، نوشته. در سایت موزه مطالب و عکس‌هایی می‌بینید که مسیر خلق این موزه را به‌روشنی نشان می‌دهد. در عکس‌های اولیه او جوان است و مشخص است که چقدر غرق کارش شده و خود را وقف این حوزه کرده است. از همان ابتدا تلاش‌های بسیاری کرد تا این موزه و این اتفاق را به گوش همه برساند. اما طی این سال‌ها فقط در همان لحظاتی که او به ایران می‌آید و به موزه سر می‌زند، موزه مورد توجه قرار می‌گیرد و بعد از رفتن او این موزه در تاریکی فرو می‌رود و باز هم برای همه ناشناخته باقی می‌ماند.
اگر در حوزه زمین‌شناسی و شهاب‌سنگ مطالعاتی داشته باشید، احتمالاً تا اینجای کار توانسته‌اید این فرد را بشناسید. در حوزه زمین‌شناسی، اسم او با «شهاب‌سنگ نراق» گره خورده است، اما افراد کمی هستند که نام او را شنیده‌اند. این مرد ۸۶ساله که هنوز هم دغدغه ایران را دارد، «ایرج عشقی» است: مردی از کویر، سرشار از دانش و علم، با کوله‌باری از تجربه. صحبت‌هایش نشان از آن داشت که ای کاش می‌توانستم همه این فعالیت‌ها را برای ایران انجام دهم. عشقی فعالیت‌های علمی زیادی در آلمان دارد. عشقی با طراحی و راه‌اندازی مرکز زمین‌شناسی و موزه آتشفشانی در شهر «دان»، که در «ایالت راینلند-فالتس آلمان» قرار دارد، به معرفی و ترویج علوم زمین پرداخته است. این مرکز به‌عنوان خانه روابط‌عمومی علوم زمین، بیش از ۶۰ سایت زمین‌شناسی دیدنی و جالب را در منطقه معرفی کرده و نقش مهمی در آموزش عمومی و جذب گردشگران علمی داشته است.
مورد دیگری که به‌عنوان شروعی بر گردشگری علمی در مسیر عشقی بوده است، ژئوپارک‌ها هستند. ژئوپارک‌ها مناطقی هستند که در آنها ژئوسایت‌ها یا مکان‌های شاخص زمین‌شناسی مانند دهانه‌های آتشفشانی، غارهای نمکی یا محل سقوط شهاب‌سنگ‌ها شناسایی می‌شوند و با هدف حفاظت علمی، آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرند. این فضاها علاوه‌بر نقش پژوهشی، فرصتی برای آموزش دانش‌آموزان، دانشجویان و گردشگران درباره زمین‌شناسی و تاریخ طبیعی فراهم می‌کنند و از طریق گردشگری پایدار به رونق اقتصادی منطقه کمک می‌کنند، بی آنکه به محیط‌زیست آسیب برسانند. نکته مهم دیگر در ژئوپارک‌ها، مشارکت فعال جامعه محلی است که در نگهداری، معرفی و بهره‌برداری از این میراث طبیعی سهمی اساسی دارند. «اولین ایده ژئوپارک در آیفل آلمان از سال ۱۹۸۶ شروع شد و در سال ۲۰۰۰ به‌بعد گسترش پیدا کرد. ژئوپارک‌ها اولین گردشگری علمی در دنیا شدند. این گردشگری علمی باید با زبان ساده توضیح داده شود که همه آن را بفهمند و برای توزیع علم در جامعه نیز خوب است.» این را با حالتی حسرت‌آمیز می‌گوید؛ چراکه خواسته او در تمام این سال‌ها این بود که همه این فعالیت‌ها را در کشور خود، یعنی ایران، نیز انجام دهد، اما انگار در هر سفر به ایران با دستانی خالی باز می‌گردد.
«موزه شهاب‌سنگ نراق» برای او ارزشی بیشتر از یک کار علمی دارد و طی این سال‌ها همواره تلاش کرده تا توجه‌های بیشتری به آنجا جلب کند. او از انواع سنگ‌هایی که در موزه جمع‌آوری شده است، می‌گوید: «در این موزه، سنگ‌های مختلفی از جنس سنگی، آهنی و حتی شهاب‌سنگ‌هایی از ماه و مریخ وجود دارد. همچنین، انواع سنگ‌های موجود در زمین، مانند سنگ‌های دگرگونی و سنگ‌های برخوردی که در اثر برخورد شهاب‌سنگ با سنگ‌های زمین ایجاد شده‌اند، در این موزه جمع‌آوری شده است. این، تنها موزه‌ای در دنیا است که در محل برخورد شهاب‌سنگ ساخته شده.»
از مهم‌ترین دغدغه‌های عشقی این بود که هیچ متخصصی در این موزه برای انجام فعالیت‌های علمی و پژوهش‌های بیشتر حضور ندارد: «در حال حاضر این مجموعه به شهرداری سپرده شده است. تعدادی خانم را آموزش داده‌ایم تا معرفی مختصری از سنگ‌ها برای عموم انجام دهند، اما متخصص این حوزه نیستند و اگر دانشجویی برای بازدید به آنجا رود، متخصصی برای پاسخگویی به او وجود ندارد. موزه باید طوری طراحی شود که همه اقشار جامعه را به خود جذب کند و هم پاسخگوی کودکان و مردم عامه باشد و هم دانشجویان.»
نشست به اتمام رسیده و همه دور او را گرفته‌اند. آرام‌آرام از پله‌ها پایین می‌آید و از همه خداحافظی می‌کند و عازم سفرش به آلمان می‌شود. در نگاهش امید موج می‌زند. او هنوز از این مردم و کشورش قطع امید نکرده است. اما نمی‌دانیم دوباره چه زمانی او را کنار خود خواهیم داشت و آیا وضعیت موزه‌ها و گردشگری بهتر شده است یا نه؟ آیا در سفر بعدی‌اش می‌توانیم به‌جای بغض در گلویش، لبخندی بر لب‌هایش ببینیم؟ آیا موزه‌ها را به‌عنوان پتانسیلی برای توسعه گردشگری خواهیم دید؟ یا همچنان گمنام باقی می‌مانند؟